



طلاق در استرالیا

کد مطلب : ۴۰۲۹ - تاریخ انتشار : دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۳۵

امیر فیروزی راد

استرالیا به عنوان یکی از کشورهای توسعه‌یافته جهان در سال‌های اخیر با اصلاح قوانین خانواده و فراهم آوردن امکانات مناسب اجتماعی و اقتصادی برای شهروندان خود به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه کاهش نرخ طلاق و افزایش نرخ ازدواج دست‌یافته است. در این پرونده ابتدا به تاریخ این کشور نگاهی کوتاه می‌اندازیم و سپس به موضوع طلاق و قوانین و آداب آن اشاره می‌کنیم.

تاریخچه و شرایط سیاسی اقتصادی

کشور استرالیا در مرکز قاره اقیانوسیه در نیمکره جنوبی قرار دارد. استرالیا ششمین کشور پهناور جهان است. حیات انسانی در این قاره به دست کم ۴۰ هزار سال پیش و قرن‌ها زندگی بومیان این سرزمین باز می‌گردد؛ بومیانی که براساس دانسته‌های امروزی به ۲۵۰ گروه زبانی گوناگون تقسیم می‌شدند. اما در اواخر قرن هجدهم ورود رو به رشد مستعمره‌نشین‌های اروپایی تعادل جمعیتی این گستره طبیعی عظیم را به هم زد. داستان ورود غریبه‌هایی که استرالیای امروزی را بنیاد گذاشتند به سال ۱۶۰۶ میلادی بازمی‌گردد که کاشفان هلندی این سرزمین را کشف کردند. در سال ۱۷۷۰ بریتانیایی‌ها دعوی مالکیت بر نیمه شرقی استرالیا را مطرح کردند و در ژانویه ۱۷۸۸ آن را به عنوان مستعمره الحاقی نیو سات ولز نامیدند. پس از این رویدادها، جمعیت خارجی‌ها در این منطقه رو به افزایش گذاشت و به تدریج کاشفان دیگر قسمت‌های استرالیا را کشف و پنج مستعمره‌نشین جدید را تأسیس کردند. در اول ژانویه ۱۹۰۱ شش مستعمره‌نشین به شکل فدرالی استرالیا را تشکیل دادند. از زمان فدرالیزه شدن استرالیا یک سیستم لیبرال دموکراسی در آن مستقر شده که بر پایه دموکراسی پارلمانی فدرال و مشروطه سلطنتی است. بیشتر جمعیت ۲۲/۶ میلیون نفری استرالیا در ایالت‌های شرقی زندگی می‌کنند و بیشتر این جمعیت شهرنشین هستند. استرالیا کشوری توسعه‌یافته است که جایگاه سیزدهم را در میان قدرتمندترین اقتصادهای جهان به خود اختصاص داده است. این کشور از نظر درآمد سرانه جایگاه هفتم را در میان کشورهای جهان دارد. استرالیا در مقام مقایسه با سایر کشورهای جهان در معیارهایی چون کیفیت زندگی، سلامت، تحصیل، آزادی اقتصادی، حقوق اجتماعی و آزادی سیاسی هم جایگاه بالایی را در اختیار دارد.

نام استرالیا از عبارت لاتین australis به معنی شرقی گرفته شده است. در مورد بومیان استرالیا و مهاجرت آنها به این سرزمین، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. این بومیان بین ۴۲ تا ۴۸ هزار سال پیش احتمالاً از شرق آسیا به آنجا مهاجرت کرده‌اند. در قرن هفدهم و در زمان ورود اروپایی‌ها به استرالیا بومیان این منطقه از کره زمین از راه شکار و استفاده از گیاهان و میوه‌هایی که به طور طبیعی رشد می‌کردند، زندگی را می‌گذراندند و فرهنگی شامل مجموعه‌ای از فرهنگ شفاهی (فرهنگی که نسل به نسل به شکل شفاهی منتقل شده باشد) و ارزش‌های معنوی و باورهایی براساس توتم‌پرستی داشتند.

در زمانی که اروپایی‌ها به استرالیا وارد شدند، جمعیت بومیان در حدود ۷۵۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد می‌شد، اما در یک فاصله زمانی ۱۵۰ ساله تعداد بومی‌ها به شدت رو به کاهش گذاشت. دلیلی که در تاریخ به عنوان علت این کاهش جمعیت ذکر شده، رشد بیماری‌های عفونی در میان بومیان است. اما برخی مورخان بر این باورند که بومیان استرالیا با نسل‌کشی از سوی تازه‌واردان روبه‌رو شده بودند. این مورخان برای اشاره به این نسل‌کشی از اصطلاح «نسل‌دزدیده شده» استفاده می‌کنند. در قرن بیستم مسئله احترام به حقوق بومیان در قوانین استرالیا به تدریج جدی‌تر شد، اما تا سال‌های پایانی این قرن حق سنتی مالکیت بر زمینی که بومی‌ها اکنون روی آن زندگی می‌کنند به رسمیت شناخته نشده بود، تا اینکه با حکم دادگاه عالی استرالیا در سال ۱۹۹۲ این حق به آنها داده شد. تا پیش از این حکم براساس قوانین استرالیا ادعا می‌شد که زمین‌ها در استرالیا تا پیش از ورود اروپایی‌ها به هیچ‌کس تعلق نداشته است.

در حال حاضر هم بخش بزرگی از جمعیت استرالیا از تازه‌مهاجران تشکیل شده است و تقریباً ۹/۵ میلیون نفر از جمعیت این کشور را مهاجران تازه‌وارد تشکیل می‌دهند، یعنی از هر هفت استرالیایی دو نفر آنها در خارج از این کشور به دنیا آمده‌اند. بیشتر این مهاجران، تحصیل کرده یا کارگران ماهر هستند، اما این یک قاعده بدون استثنا نیست و افراد بدون تحصیلات عالیه یا مهارت کاری در میان پناهندگان و خانواده‌های مهاجران دیده می‌شوند.

پیش‌بینی می‌شود جمعیت استرالیا در سال ۲۰۵۰ به ۴۲ میلیون نفر برسد، که باز هم بخش عمده‌ای از آن را مهاجران تشکیل خواهند داد. بیشتر مهاجران به استرالیا اصلیتی بریتانیایی، نیوزیلندی، ایتالیایی، ویتنامی و چینی دارند.

جمعیت بومی‌های استرالیا در حال حاضر در حدود ۴۱۰ هزار نفر است که ۲۲ درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. میانگین سنی جمعیت استرالیا در سال ۲۰۰۴ و براساس آمارهای رسمی ۸۳۸ سال بوده است.

از نظر فرهنگی، جامعه استرالیا تا اوایل قرن بیستم به‌شدت تحت‌تأثیر فرهنگ بریتانیایی-ایرلندی و اروپایی بود. همچنین تأثیرات فرهنگی-محیطی و فرهنگ بومی نیز قابل لمس بود، اما از میانه قرن بیستم به بعد فرهنگ آمریکایی با ابزاری مانند سینما و تلویزیون جامعه استرالیا را به‌شدت تحت‌تأثیر خود قرار داده است. علاوه بر این، فرهنگ‌های کشورهای آسیایی همسایه استرالیا و همچنین فرهنگ‌های متنوع مهاجران امروزه این کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

رنسانس خانوادگی

استرالیا در سال‌های اخیر شاهد یک رنسانس در مساله ازدواج و طلاق بوده است. آمارها نشان می‌دهد که تعداد طلاق‌ها در این کشور در این سال‌ها بیشترین کاهش را در مجموع دو دهه اخیر داشته است و در نقطه مقابل، آمار ازدواج در این کشور در حال رشد است. برای مثال، در مقایسه آمار سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ که توسط دفتر آمار استرالیا منتشر شده است، شاهد شش درصد افت آمار طلاق‌ها هستیم. در این فاصله یک‌ساله آمار طلاق در هر هزار نفر نیز از ۵۲ درصد به ۳۲ درصد رسیده است. این روند کاهش از سال ۲۰۰۱ به بعد شروع شد، درحالی که خود سال ۲۰۰۱ شاهد بالاترین آمار طلاق در دو دهه اخیر یعنی ۹۲ درصد بود، به‌تدریج و در یک دوره هفت‌ساله نرخ طلاق کاهش پیدا کرد و امروز آمارها نشان از قوام یافتن بیشتر روابط زوج‌ها دارد.

از سال ۲۰۰۱ تاکنون آمار ازدواج‌ها هم به کندی رشد داشته و تا سال ۲۰۰۶ در مجموع پنج‌سال، رشدی ۷۰ درصدی روی داده است. از نظر تعداد ازدواج‌ها هم سال ۲۰۰۱ در مجموع ۱۰۳۱۳۰ مورد ازدواج ثبت شده است، درحالی که این آمار در سال ۲۰۰۶ به ۱۱۴۲۲۲ مورد رسیده است.

رویدادهای مثبتی که در مورد ازدواج و قوام آن در استرالیا روی می‌دهد، تقریباً در جهت عکس رویدادهایی است که طی دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای جهان شاهد هستیم. در واقع در بیشتر جوامع آمار طلاق در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم رو به افزایش گذاشته، ولی در استرالیا این روند معکوس است. بگذارید یک مثال آماری دیگر بزنیم؛ آمار طلاق در سال ۱۹۸۸ در استرالیا ۴۱۰۰۷ مورد بوده است که از نظر درصد ۵۲ را در هر هزار نفر نشان می‌دهد. این اعداد در سال ۲۰۰۷ به ۴۷۹۶۳ مورد طلاق اما با آمار ۳۲ درصد در هر هزار نفر رسیده است.

علاوه بر کاهش آمار طلاق، عمر روابط زناشویی نیز در این کشور بیشتر شده است؛ به این صورت که میانگین فاصله ازدواج تا طلاق در مواردی که مردان درخواست طلاق داده‌اند، از ۲/۱۱ سال در ۱۹۹۸ به ۵/۱۲ سال در ۲۰۰۷ رسیده است. این ارقام در مورد زنان در همین فاصله زمانی نیز از ۸/۷ سال به ۹/۸ سال رسیده است. برای این تحولات مثبت احتمالاً دلایل اجتماعی، اقتصادی و قانونی متفاوتی وجود دارد، اما در آمار مربوط به زندگی زناشویی در کشور استرالیا دو عامل وجود دارد که می‌توانند در این روند مثبت تأثیر خوبی گذاشته باشند.

اولین عامل مربوط است به بالاتر رفتن سن ازدواج در استرالیا. بدین‌گونه که میانگین سن ازدواج برای مردان در سال ۲۰۰۸ برابر با ۶/۲۹ سال بوده است، در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۹ برابر با ۷/۲۷ سال بود. این میانگین در مورد زنان نیز در همین فاصله زمانی با رشد روبه‌رو بوده و از ۲/۲۴ سال به ۳/۲۶ سال رسیده است. دیگر عاملی که احتمال دارد در به موفقیت انجامیدن بیشتر ازدواج‌ها در استرالیا کمک کرده باشد، تعداد بالای زوج‌هایی است که پیش از ازدواج مشاوره پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند. براساس آمار رسمی، سه‌چهارم افرادی که امروزه ازدواج می‌کنند، پیش از این تصمیم برای مشاوره به یک روان‌شناس مراجعه کرده‌اند.

آمارهای ازدواج و طلاق

در ۲۰سال اخیر — آمار درخواست‌های مشترک توافقی برای انجام طلاق به‌طور مرتب رشد داشته است، تا جایی که در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۳۰ درصد موارد رسیده است. تعداد درخواست‌های مردان برای طلاق از این رقم پایین‌تر بوده است و زنان نیز با حدود ۴۰ درصد آمار بالاتری را در درخواست‌های طلاق یک‌طرفه به خود اختصاص داده‌اند.

میانگین سن طلاق برای مردان از ۶/۳۷ سال در سال ۱۹۹۸ به ۲/۴۴ سال در ۲۰۰۷ رسیده است. این میانگین در زنان در همین فاصله زمانی از ۸/۳۴ سال به ۳/۴۱ سال رسیده است.

میانگین تعداد فرزندان در موارد طلاق ۸۸/۱ نفر بوده است. این رقم در ۱۰سال اخیر تغییر به خصوصی نکرده است.

در استرالیا از هر سه ازدواج یکی به طلاق می‌انجامد.

حدود ۲۹ درصد استرالیایی‌ها تا پایان عمر تن به ازدواج نمی‌دهند.

نیمی از استرالیایی‌هایی که طلاق می‌گیرند دوباره ازدواج می‌کنند.

۳۵ تا ۳۹ سال بزرگ‌ترین گروه سنی است که زنان در آن سنین طلاق می‌گیرند در حالی که این رقم برای مردان بین سنین ۴۰ تا ۴۴ سالگی است.

درخواست طلاق

برای درخواست طلاق در استرالیا باید اهل این کشور باشید یا استرالیا محل زندگی‌تان باشد و قصد داشته باشید که در این کشور تا زمانی نامحدود بمانید و یا اینکه تا پیش از درخواست طلاق ۱۲ماه و یک روز در این کشور زندگی کرده باشید.

پس از اصلاحات قانونی در سال ۱۹۷۵، طلاق بدون ارائه دلیل محکمه‌پسند به عنوان شیوه مرسوم طلاق در استرالیا پذیرفته شد؛ به این معنی که افراد برای ارائه درخواست طلاق نیاز به ارائه هیچ دلیل و بهانه‌ای برای انجام این کار ندارند و تنها دادگاه باید قانع شود که زندگی مشترک دو نفر به شکل برگشت‌ناپذیری غیرممکن شده است.

اگر درخواست طلاق در کمتر از دو سال پس از تاریخ ازدواج به دادگاه ارائه شود، زوجین موظف هستند که نزد مشاور خانواده بروند تا درباره راه‌های ممکن برای آشتی و حل مشکلات مورد مشاوره قرار گیرند. در صورتی که زوجین نخواهند از این مشاوره استفاده کنند باید به دادگاه بروند و موافقت آن را با طلاق‌شان کسب کنند. برای این کار نیز درخواست‌کننده‌ها باید اظهارنامه همراه با سوگند به دادگاه ارائه دهند.

در صورت مراجعه به مشاور و در صورت اصرار بر طلاق از طرف فرد درخواست‌کننده، مشاور خانواده باید گواهی مشاوره درباره عدم توانایی زوجین به ادامه زندگی مشترک را برای ارائه به دادگاه تهیه کند.

در صورتی که درخواست طلاق به صورت مشترک ارائه شود، این درخواست به عنوان طلاق توافقی شناخته می‌شود، اما اگر فقط یکی از زوجین درخواست طلاق کرده باشد، طرف مقابل به عنوان خوانده در دادگاه حاضر خواهد شد.

برای درخواست طلاق، داشتن وکیل ضروری نیست، اما نکته بسیار مهم برای صدور حکم طلاق از سوی دادگاه‌ها این است که درخواست‌کننده یا درخواست‌کنندگان طلاق باید بتوانند ثابت کنند که به مدت ۱۲ ماه و یک روز پیش از ارائه درخواست جدا از هم زندگی کرده‌اند. البته این وضعیت جدایی می‌تواند زیر یک سقف هم اتفاق بیفتد. اثبات این وضعیت جدایی در صورتی که زوجین به طور مشترک درخواست طلاق را ارائه داده باشند، با اظهارنامه‌ای که همراه سوگند دو طرف به علاوه اظهارنامه مشابهی از سوی یک شاهد مورد پذیرش دادگاه قرار خواهد گرفت.

در صورتی که فرد طلاق گرفته بخواهد با انجام تشریفات مذهبی به ازدواج مجدد اقدام کند، موظف است تا یک کپی از حکم طلاق خود را به برگزارکننده مذهبی مراسم ازدواج ارائه کند.

نامعتبر دانستن یک ازدواج

دادگاه‌ها در کشور استرالیا در شرایطی خاصی حتی بدون انجام درخواستی توسط زوجین می‌توانند حکم به نامعتبر بودن یک ازدواج دهند.

براساس اصلاحیه سال ۱۹۷۵، هر ازدواجی که حائز یکی از شرایط زیر باشد، از سوی دادگاه غیرمعتبر شناخته خواهد شد:

یکی از زوجین یا هر دوی آنها در زمان عقد ازدواج متأهل باشند.

یکی از زوجین یا هر دوی آنها سنی پایین‌تر از سن ازدواج داشته باشند.

یکی از زوجین یا هر دوی آنها به هر نحوی به انجام ازدواج مجبور شده باشند.

درخواست یک‌طرفه، درخواست توافقی

دو نوع درخواست طلاق وجود دارد: درخواست طلاق یک‌طرفه و درخواست طلاق مشترک یا توافقی.

در صورت ارائه درخواست طلاق مشترک و توافقی، زوجین تنها باید ثابت کنند که به مدت ۱۲ ماه و یک روز جدا از هم بوده‌اند و در صورتی که دادگاه دعوی آنها را بپذیرد، مشکلی در راه طلاق به‌وجود نمی‌آید.

اما در صورتی که یکی از زوجین درخواست طلاق یک‌طرفه را به دادگاه ارائه کند باید همراه آن، اظهارنامه همراه سوگند نیز به دادگاه تحویل دهد. همچنین اظهارنامه همراه سوگند از طرف شخص سومی نیز در این رابطه باید به دادگاه داده شود که نشان دهد زوجین در مدت ۱۲ ماه و یک روز جدا از یکدیگر زندگی کرده‌اند.

اظهارنامه همراه با سوگند نقش مهمی در پروسه طلاق بازی می‌کند. این سند مهم‌ترین دلیلی است که ثابت می‌کند تغییری در روابط میان زوجین (چه ناگهانی و چه تدریجی) روی داده است. در صورتی که یکی از زوجین این تغییر را رد کند، فرد تقاضا دهنده مجبور است برای اثبات وجود تغییر در زندگی مشترک با همسر خود به مواردی چون تغییر در برنامه خواب روزانه، کاهش فعالیت‌های مشترک و خانوادگی، کاهش فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری، جداسازی حساب‌های بانکی مشترک و یا هر چیز دیگری که نشان‌دهنده این تغییر باشد، از جمله اطلاع دوستان یا فامیل از تغییرات پیش آمده در ارتباط بین او و همسرش اشاره کند. در صورتی که زوجین فاصله زمانی ۱۲ ماه و یک روز زیر یک سقف زندگی کرده باشند، ارائه توضیح در مورد علت وقوع این وضعیت (مثلاً دلایل مالی)، ارائه برنامه‌ای که برای نگهداری از فرزند در شرایط جدایی تنظیم شده است و ارائه کپی نامه‌نگاری‌های انجام شده با اداره‌های دولتی (مثلاً مربوط به بخش حمایت از کودکان) برای اثبات جدایی زوجین در این مدت و متقاعد کردن دادگاه به صدور حکم طلاق مفید است.

حال این سؤال پیش می‌آید که در مواردی که یکی از زوجین مخالف طلاق باشد، آیا وی می‌تواند مانع انجام آن شود؟ در جواب باید گفت که پس از تصویب قانون حق طلاق بدون ارائه دلیل محکمه‌پسند مخالفت یکی از زوجین با طلاق همسر خود تقریباً غیرممکن شده است و طرف مخالف طلاق تنها در شرایطی می‌تواند مانع صدور حکم شود که ثابت کند مدت ۱۲ ماه و یک روز از جدایی وی و همسرش نگذشته است یا صلاحیت دادگاه را در بررسی پرونده طلاق با موفقیت زیر سؤال ببرد.

مسئله فرزندان

یکی از مهم‌ترین مسائل در یک پرونده طلاق در قانون استرالیا، اطمینان از نگهداری مناسب (عاطفی و مالی) از فرزند یا فرزندان زن و شوهر پس از انجام پروسه طلاق است.

فرزندى که در یک پرونده طلاق وضعیت وی مورد بررسی قرار می‌گیرد باید زیر ۱۸ سال سن داشته باشد و مهم نیست که پیش از ازدواج رسمی یا پس از آن به دنیا آمده باشد. همچنین فرزندی که توسط زوجین به فرزندخواندگی پذیرفته شده باشد و همچنین فرزند رضاعی باید در پروسه طلاق مورد بررسی قرار گیرند. رسیدن به توافق بر برنامه نگهداری فرزند یا فرزندان در قالب نهادهای اجتماعی در نزاع‌های خانوادگی ایده‌آل‌ترین شیوه حل مسئله است که در نهایت مورد بررسی و به احتمال فراوان تأیید دادگاه صادرکننده حکم طلاق نیز قرار خواهد گرفت. حل کردن مسائل و رسیدن به توافق با این شیوه که غیررسمی‌تر از حضور در دادگاه و انتظار برای تصمیم‌گیری آن است باعث کوتاه‌تر شدن زمان بررسی پرونده، کاهش هزینه‌های مالی و احساسی می‌شود.

همچنین در شرایطی که هر دو طرف به یک توافق مشترک رسیده باشند امکان دوام این توافق در آینده و احترام به آن نیز بیشتر خواهد شد. در این شرایط، احتمال ازدواج مجدد زوجینی که از هم طلاق گرفته‌اند اما این کار را با تنش کمتر و آرامش انجام داده‌اند، بیشتر خواهد بود. اما اگر سابقه خشونت خانوادگی وجود داشته باشد شاید این شیوه تصمیم‌سازی چندان کارآمد نباشد. در این موارد می‌توان با کارکنان نهاد تصمیم‌گیری درباره نزاع‌های خانوادگی برای رسیدن به راه‌حل‌ها یا دریافت حمایت‌های ممکن مشاوری کرد.

طرفین می‌توانند پیش از مراجعه به دادگاه، برنامه نگهداری از فرزند خود را تنظیم کنند. باید توجه داشت که براساس قوانین استرالیا برنامه نگهداری از فرزند با حکم دادگاه در مورد فرزند تفاوت ماهوی دارد، یعنی این برنامه از نظر قانونی لازم‌الاجرا نیست، اما حکم دادگاه باید توسط طرفین اجرا شود.

یک وکیل نیز می‌تواند درباره تصمیم‌گیری درباره برنامه نگهداری از فرزند به طرفین کمک کند تا افراد از حقوق و مسئولیت‌های خود آگاه شوند. همچنین چنین وکیلی می‌تواند به طرفین کمک کند که بدون مراجعه به دادگاه به توافق مشترک دست یابند. این گونه راهنمایی‌ها می‌تواند توسط دفاتر کمک‌رسانی قانونی، مراکز اجتماعی-حقوقی یا دفاتر خصوصی وکالت انجام شود.

در صورتی که رسیدن به توافق امکان‌پذیر نشود، مراجعه به دادگاه برای گرفتن حکم، راه‌حل نهایی است. با وجودی که این مرحله می‌تواند پراسترس و پرهزینه باشد، اما در مواردی تنها راه موجود برای دستیابی به برنامه‌ای برای نگهداری از فرزند و حل منازعه است.

در صورتی که حکم دادگاه در مورد فرزند از سوی یکی از طرفین اجرا نشد طرف دیگر می‌تواند در اینباره به دادگاه شکایت کند. دادگاه احتمال دارد این شکایت را غیرقابل اثبات تشخیص دهد یا برای اجرا نشدن حکم پیشین دادگاه توسط متشاکی دلیل قانع‌کننده‌ای وجود داشته باشد یا والد بخش کم‌اهمیت‌تری از حکم دادگاه درباره فرزند را اجرا نکند و یا اینکه یک عدم تمکین جدی در برابر حکم دادگاه صورت گرفته باشد.

دادگاه در صورتی که حکم پیشین به صورت جدی شکسته شده باشد می‌تواند پدر یا مادر متخلف را تنبیه کند. براساس قوانین استرالیا این تنبیهات می‌تواند شامل این موارد باشد: حکم به استخدام شخصی برای نگهداری از فرزند، جریمه مالی، اخذ تعهد، پرداخت هزینه دادرسی، شرکت اجباری متشاکی در برنامه‌های اجتماعی، جریمه مالی و زندان.

دادگاه همچنین می‌تواند شرایط جدیدی را تنظیم کرده و عملاً شرایط نگهداری از فرزند را اصلاح کند.

برچسب ها : طلاق ، طلاق در کشورهای دیگر



این مطلب را در شبکه های اجتماعی به اشتراک بگذارید :

نظرات کاربران

اولین فردی باشید که در مورد این مطلب نظر می دهید

نظر شما

نظرات پس از تأیید نمایش داده می شوند. نظرات ارسالی نباید حاوی عبارات نامناسب، توهین به نظام یا مقدسات و یا دارای بار حقوقی باشند.



نام و نام خانوادگی :

ایمیل :

نظر :

کد امنیتی :



لطفا عدد

چهاررقمی بالا را درون کادر وارد نمایید

ارسال نظر

کلیه حقوق این وب سایت محفوظ و متعلق به ماهنامه سپیده‌دانی است.

تمامی کالاها و خدمات این فروشگاه حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت این سایت تابع قوانین و مقررات ج